

جمهوری اسلامی و مسأله صلح با عراق

جنگ ایران و عراق به سبب
 لجاجت ویژه جمهوری اسلامی که
 خواستار ادامه جنگ تا سرنگونی
 دولت کنونی عراق بوده نزدیک
 به هشت سال طول کشید. این
 جنگ که حدود یک میلیون کشته
 صدها هزار اسیر و منطوق و صدها
 میلیارد دلار خسارت از خود
 سرجای گذاشت سرانجام بدنبال
 شکست شرم آور جمهوری اسلامی
 در میدانهای جنگ و موافقت
 اجباری آن با قطعنامه شماره ۵۹۸
 شورای امنیت سازمان ملل
 متحد در ۲۹/۵/۱۳۶۷ به آتش بس
 انجامید و ظاهراً زمینه برای
 تلاشهای سازمان ملل متحد جهت
 برقراری صلح میان ایران و
 عراق آماده گردید. به
 همین منظور مذاکراتی بین
 طرفین درگیر زیر نظارت
 مستقیم دبیرکل سازمان ملل
 متحد و نماینده هیأت انجام
 گرفت که در عمل پیشرفت
 محسوس و چشمگیری بدنبال
 نداشت و به بن بست کشیده شد.

اما در اردیبهشت ماه
 سال جاری علیرغم فضای حاکم
 بر روابط دو کشور با استکار
 و پیشقدمی رئیس جمهوری
 عراق کوششهایی برای خروج از
 این بن بست به عمل آمد و
 تاکنون حداقل دو نامه بین
 رؤسای جمهوری ایران و عراق
 مبادله شده است. گرچه
 مضمون و محتوای این نامهها
 هنوز کاملاً روشن نشده است
 با این حال قرآنی حنون
 کاستن از حلات تبلیغاتی و
 اظهار نظرهای خوشبینانه
 از هر دو طرف فضای تازه و
 امیدوار کننده ای بر رونید
 صلح حاکم گردانیده. تا حاشی
 که احتمال دیدار سران دو
 کشور مورد تایید طرفین قرار
 گرفته است.
 بدیهی است که قبول پیشنهاد
 رئیس جمهوری عراق مبنی بر
 مذاکره مستقیم با رئیس
 جمهوری ایران از سوی رژیم
 جمهوری اسلامی در واقع گام

بزرگی در عدول از مواضع
 گذشته و انحراف از خط امام
 است. شکی نیست که هر خروج
 مذاکره مستقیم و دیدار با
 ریاست جمهوری عراق را امری
 غیر ممکن و خلاف اسلام
 میدانست.

اما با توجه به
 درماندگی همه جانبه رژیم
 ایران غیر از این هم انتظاری
 نمیتوان داشت و بدون شک
 رئیس جمهور عراق به هنگام
 تصمیم گیری در مورد این
 استکار خود این واقعیت را
 بطور کامل در نظر داشته است
 به عبارت دیگر عقب نشینی
 آید و بدهای حاکم عراق را از
 مو افق معروف به خط امامی
 نه از حسن نیت بلکه صرفاً
 از ضعف آنان سرچشمه میگیرد.
 همانگونه که قبول قطعنامه ۵۹۸
 شورای امنیت و آتش بس
 نیز به اعتراف صریح خمینی
 از حسن نیت جمهوری اسلامی
 نبود بلکه اتخاذ چنین
 تصمیمی و اقدام به چنین
 کاری از موضع ضعف کامل و
 از سر ناچاری صورت گرفت.

چرا که اگر واقعاً جمهوری

اسلامی نسبت به اتمام جنگ و
 قبول آتش بس حسن نیت لازم
 را داشت قبل از آنکه فرستهای
 تاریخی و شرایط کاملاً بهتری
 را از دست بدهد اقدام به
 چنین کاری میکرده.

ولیکن سرانجام رابطه
 بین دو کشور همسایه ایران و
 عراق را چگونه میتوان

بقیه از صفحه قبل

میدارده به امید آنکه همکاری و هم آوایی مردم بسا این
 رادپو در آینده از این هم گرمتر و محکم تر گردد و بسا
 امید به آنکه این صدای رسا سرانجام مژده آور بیست و روزی
 نهایی در مبارزه مقدسمان باشد.

دفتر سیاسی
 حزب دمکرات کردستان ایران
 بیست و هشتم خردادماه
 ۱۳۶۹ شمسی

ارزیابی کرد!

در شرایط فعلی بعید به نظر می‌رسد که نه عراق و نه ایران بتوانند و یا بخواهند مجدداً جنگ را از سر بگیرند. اما بین این عدم تمایل به جنگ تا برقراری صلح پایدار فاصله بسیار است. زیرا که عوامل اختلاف بین دو کشور متعددند. علاوه بر اختلافات تاریخی، جنگ خونین هشت ساله و تفاوت‌های آشکار در ماهیت دو حاکمیت مسالسه، روابط بین دو کشور را با مشکلات پیچیده‌ای روبرو ساخته است.

سازش‌ترین این مشکلات اختلافی است که هر دو کشور بر سر مالکیت بر آبراه شط العرب (اروندرود) دارند. عراق با لغو یک جانبه قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزایر و با استناد به سوابق تاریخی مدعی مالکیت بر آبراه مزبور در تمامیت آن است که این امر از سوی رؤسای کشورهای عرب در کنفرانس اخیر بغداد نیز یکبار دیگر مورد پشتیبانی قرار گرفته است. در واقع برای عراق تثبیت مالکیت کامل بر شط العرب تنها دستاورد هشت سال جنگ و رسیدن به بیروزی نسبی در این جنگ بشمار می‌آید. متقابلاً ایران طبق قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزایر، مالکیت برنیمی از این آبراه را حق طبیعی خود و عدول از آن را غیر ممکن می‌داند. و این از

نقاط گرهی اختلاف میان ایران و عراق بشمار می‌رود. جدا از این مساله، اصلی مسائل دیگری نیز وجود دارد. مثلاً ایران هر نوع مذاکره‌ای را به تطبیق کامل قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد با رعایت تقدم و تأخر بندهای آن مشروط نموده است. در حالیکه عراق بادر نظر گرفتار شدن ملاحظات که در رابطه با جمهوری اسلامی دارد برای اجرای بندهای قطعنامه مزبور اولویت‌های دیگری قابل استناد مدامی که این گره‌های کور بر سر راه صلح بین دو کشور وجود دارد، اگر هم نهادها و سازمانهای بین المللی و رای آنها سازمان ملل متحد بتوانند به نوعی توافق میان ایران و عراق دست یابند که البته موضوعی خوشحالی همه خواهد شد، باز هم نمیتوان ادعا کرد که هدف اصلی که برقراری صلح و امنیت کامل و پایدار در منطقه است تحقق یافته است. زیرا که دو مشکل اساسی بر سر راه تحقق این هدف هنوز باقی خواهند ماند. نخستین آن توسعه طلبی و آشوبگری ویژه‌ای است که از ماهیت رژیم جمهوری اسلامی ایران سرچشمه می‌گیرد. آخوندهای ایران، در هر حال هیچگاه انکار نکرده‌اند که هدف نهایی آنها تسلط بر جهان اسلام است و در این راه تحت نفوذ آوردن و فرمانروایی

بر کشورهای دارای جمعیت قابل توجه مسلمانان شیعه مذهب را نخستین گام می‌دانند. بنابراین کشوری چون عراق با جمعیت قابل توجه شیعه مذهب مضموماً از این نظر که محل بسیاری از اماکن مقدس شیعیان است بدون شک تا زمانی که جمهوری اسلامی در ایران بر سر کار باشد پیوسته در مرکز توطئه‌گریها و دست اندازیهای عظمت طلبانه، آخوندها باقی خواهد ماند. بویژه که آخوندهای حاکم بر ایران در جریان جنگ هشت ساله با عراق بخوبی نشان دادند که در جهت منافع و مصالح خود بسیار آسان با حکومتهایی چون اسرائیل سازش می‌کنند.

دومین مشکل بر سر راه برقراری صلح و آرامش پایدار در منطقه مسالسه کردستان است. زیرا که علاوه بر جنگ ایران و عراق، در ایران و درست در مرزهای بین ایران و عراق جنگ دیگری نیز در جریان است که عبارت از جنگ تحمیل شده از سوی جمهوری اسلامی بر خلق کرد در کردستان ایران است. جنگ با خلقی که خواهان دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان ایران است، خلقی که با وجود شیفتگی‌اش به صلح و امنیت مورد تهاجم نظامی رژیم جمهوری اسلامی واقع شده و بقیه در صفحه ۶

نظام آخوندی، یکسال بعد از خمینی

بقیه از صفحه اول

جهانی، مذاکرات ملج ایران و عراق و مساله بازسازی کشور لاینحل باقی مانده بودند. مرگ خمینی نیز مشکلات کار را گزاران رژیم را عمیق تر و پیچیده تر کرد.

مرگ خمینی از دو نظر هم از نظر مذهبی (ولایت فقیه) و هم به لحاظ سیاسی (خط امام) و وارثان او را با ظلم و ستم و ساختن یک نظام جدید مساله تخصصی آخوندها جنین عمل کردند، روزی که خسر مرگ خمینی اعلام شد مجلس خیرگان رژیم

که شماری از آخوندها در آن عضویت دارند، نشست فوق العاده ای برای تعیین رئیس فاشن خمینی تشکیل داد. نشست مزبور به انتخاب خاتمه ای یعنی شورای جانشین خمینی، رهبر جمهوری اسلامی با ۶۰ رای موافق از ۷۴ رای اعضای حاضر منتج گشت بدین ترتیب خاصه ای یک شبه از حجت الاسلامی به مرتبه آیت الله ارتقا یافت و از ریاست جمهوری به رهبری نظام رسید. بلافاصله نیز اسمت حزب الله را جهت بیعت با نامبرده به مفکرده والعب

و عناوینی چون رهبر مسلمانان جهان ولی فقیه ولی امر مسلمین و... را به وی بست دادند.

انتخاب مزبور که حاصل تبانی خامنه ای و رفیقان او بر سر تقسیم پستهای مهم نظام و همراهی جمعیتی از آخوندهای سابق در نهادهای مختلف رژیم بود صدای اعتراض آیات عظام و مراجع تقلید را بلند کرد. خامنه ای ولی فقیه شده بود در حالیکه ولی فقیه میباید از نظر مذهبی بالاترین مقام مذهبی را دارا باشد و هر چند نامبرده عنوان آیت الله را هم گرفته بود باز او در

بقیه از صفحه قبیل

مجبور به دفاع مسلحانه از خویش و از خواستهای عادلانه خویش گشته است. حزب دمکرات کردستان ایران بمشابه رهبر جنبش خلق کرد در کردستان ایران از همان روزهای آغاز جنگ ایران و عراق موضع صریح و روشن خود را اعلام نمود و این جنگ را جنگی بیپوده و بیسورد و خلاف منافع خلقهای دو کشور ایران و عراق دانسته و از هرگونه گوشش در جهت پایان بخشیدن به آن حمایت نموده است. اکنون نیز با توجه به همیسی علاقمندی به برقراری صلح و آرامش کامل و بیاید از است که خود را ناچار به تکرار این حقیقت میداند که سازمانی

که مساله کردستان به طریق اصولی حل نگردد ملج و آرامش در منطقه برقرار نخواهد شد. نامه هایی که تاکنون از طرف حزب مادر این رابطه به دبیرکل سازمان ملل متحد و وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی نوشته شده است بیانگر جانبداری خلق کرد از ملج واقعی میان ایران و عراق و قدردانی از هر فعالیت و کوششی در این زمینه است. اما در همان حال تاکید کننده این حقیقت نیز هست که بدون حل مساله کردستان امری که هیچگاه جمهوری اسلامی بطور جدی بجا نبرد نکرده و بندگان نیاندیشیده است، صلح دائمی

در منطقه میر نخواهد شده حال اگر افکار عمومی و سازمانهای بین المللی و در رأس آنها سازمان ملل متحد در تلاشهای خود، دستیابی به صلح پایدار و عادلانه بدون تضییع حقوق خلقها را تعقیب میکنند باید به این امر مهم توجه کافی میدول دارند و برای نیل به این هدف جمهوری اسلامی را تحت فشار بگذارند که به جنگی تحمیلی خود علیه خلق کرد در کردستان ایران خاتمه دهد و به خواستهای دمکراتیک و عادلانه خلق کرد گردن نهد، تنها در این صورت است که صلح به معنای واقعی خود به ایران باز خواهد گشت.